

«غزه مارین» پروژه در هاله‌ای از ابهام؛ آیا گاز؛ بهانه اصلی جنگ‌های رژیم صهیونیستی است

لبنان و سرزمین‌های اشغالی فلسطین، ثروتی دارند که شاید دلیلی باشد برای حرص و طمع رژیم صهیونیستی، پشت جنون نسل‌کشی و توسعه خونخوارانه رژیم صهیونیستی، منطق سرد و سخت دیگری هم نهفته است تصاحب منابع یک ملت به بهانه تلافی! آتش زدن و سوزاندن انسانها برای رسیدن به گاز

به گزارش گروه اقتصاد گزارش خبر-انرژی، از دورانی که رژیم صهیونیستی، کاملاً متکی به واردات انرژی خود از خارج بود، زمان درازی نگذشته است. کشف میدان‌های گازی در خطوط سواحل فلسطین اشغالی در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ باعث یک تغییر مبهوت‌کننده شد. طی یک دهه یا بیشتر، رژیم صهیونیستی نه تنها به خودکفایی در انرژی رسید، بلکه به یک صادرکننده انرژی تبدیل شد و گاز اضافی استخراج شده از میادین خود را به مصر و اردن ارسال کرد؛ همزمان، جاه طلبی‌های بزرگتر این رژیم نیز به زودی آشکار شد.

پس از آغاز جنگ روسیه در اوکراین در فوریه سال ۲۰۲۲، سران اتحادیه اروپا تلاش کردند از وابستگی به گاز روسیه رهایی پیدا کنند. این بلوک به منابع دیگر از جمله جمهوری آذربایجان و اسرائیل چشم دوخت و تا ژوئن سال ۲۰۲۲، یک توافق با رژیم صهیونیستی و مصر امضا کرد که زمینه را برای صادرات گاز از سرزمین‌های اشغالی فلسطین به اروپا در آینده مهیا می‌کرد.

رژیم صهیونیستی از چند میدان که در محدوده مرزهای دریایی تعریف شده قانونی سرزمین‌های اشغالی فلسطین قرار دارند، گاز استخراج می‌کند و قصد دارد فعالیتش را در این پایگاه‌ها توسعه دهد. اما این رژیم تنها بازیگر در منطقه نیست؛ دشمنانش نیز ادعای مالکیت برخی از میادین گازی در شرق مدیترانه را دارند.

در سال ۱۹۹۹، یک میدان گاز طبیعی به نام «غزه مارین» در سواحل نوار غزه کشف شد که همانطور که در توافقنامه اسلو تعریف شده است، در خاک فلسطین قرار دارد.

در آن زمان، این امید وجود داشت که ذخایر گازی شناسایی شده در آنجا، هر چند نسبتاً اندک باشد، اما برای تامین انرژی سرزمین‌های فلسطینی کافی باشد و حتی مقداری برای صادرات بماند که مزایای عظیمی برای اقتصاد به شدت توسعه نیافته فلسطین می‌توانست به همراه بیاورد.

اما در طول ربع قرن بعد، توسعه «غزه مارین» متوقف شد. در حالیکه رژیم صهیونیستی خود را به عنوان یک شریک بالقوه در این پروژه معرفی می‌کرد، مداوم مانع توسعه آن شد و از جمله نگرانی‌هایی که مطرح می‌کرد، این بود که درآمدهای حاصل از این میدان گازی به دست حماس خواهد افتاد که کنترل غزه را در سال ۲۰۰۷ به دست گرفته بود. همچنین اصرار داشت که گاز استخراج شده در سرزمین‌های اشغالی پالایش شود که در واقع، کل عملیات را تحت کنترل این رژیم قرار می‌داد.

این چنین بود که پروژه «غزه مارین» در هاله‌ای از ابهام ماند و از تولید میلیاردها دلار درآمد احتمالی برای فلسطینیان جلوگیری کرد.

در ژوئن سال ۲۰۲۳، به نظر می‌رسید که بالاخره یک معامله منعقد شده است. رژیم صهیونیستی به دلایلی که کاملاً مشخص نیست، موافقت کرد «غزه مارین» توسعه پیدا کند؛ اقدامی که در آن زمان به عنوان یک «برد-برد» برای هر دو طرف توصیف شد. اما عمر این خوش‌بینی کوتاه بود، زیرا پس از عملیات طوفان الاقصی ۷ اکتبر و نسل‌کشی رژیم صهیونیستی به بهانه این عملیات، هرگونه امیدی مبنی بر اینکه پروژه‌ای به نفع فلسطینی‌ها ممکن است به ثمر برسد، از بین رفت.

رژیم صهیونیستی چند هفته پس از آغاز جنگ، اعلام کرد مجوزهایی را صادر می‌کند تا به شرکت‌های اسرائیلی و خارجی اجازه دهد در شرق مدیترانه، گاز اکتشاف کنند. بنا بر گزارش‌ها، بعضی از مناطقی که این رژیم برای اکتشاف تایید کرده است، در داخل مرزهای دریایی تعریف شده قانونی غزه قرار دارد و به عبارت دیگر، اجازه غارت سرزمین فلسطین را برای ثروت اندوزی خود و خارجی‌ها می‌دهد.

در خصوصیت‌ها میان رژیم صهیونیستی و لبنان نیز گاز نهفته است. از آغاز سال ۲۰۱۰، دو طرف بر سر میادین گازی در سواحل مربوطه خود دچار اختلاف شدند: میدان «قانا» و میدان جنوبی «کاریش». توسعه اولی به شدت برای اقتصاد لبنان مفید بود، اما اختلاف با رژیم صهیونیستی بر سر اینکه چه کسی بر بخش‌های خاصی حق داشت، به معنای آن بود که برای حدود ۱۲ سال هیچ پیشرفتی حاصل نشد.

به نظر رسید که این وضعیت در سال ۲۰۲۲ به یک راه حل رسیده است و دو طرف سرانجام قراردادی را با نظارت آمریکا امضا کردند. رژیم صهیونیستی کنترل کامل میدان «کاریش» را به دست گرفت و لبنان هم از حقوق کامل بهره‌برداری و اکتشاف میدان «قانا» یا صیدا که بخش‌هایی از آن در آب‌های سرزمینی فلسطین اشغالی قرار دارد، برخوردار شد.

در مقابل، مقرر شد رژیم صهیونیستی از سوی شرکتی که در این توافق معرفی شده، در ازای دریافت حقوق خود و هرگونه سپرده بالقوه، پاداش دریافت کند. با این توافق لبنان می‌توانست در نهایت مشتاقانه منتظر بهره‌برداری از این میدان و کسب درآمد مورد نیاز برای اقتصاد بحران زده این کشور

باشد.

این توافق مانند توافق «غزه مارین»، به عنوان نوعی برد-برد معرفی شد، اما با گسترش جنگ رژیم صهیونی به لبنان، مقامات اسرائیلی آشکارا به جستجوی راه فراری برای توجیه نقض آن پرداختند. به نظر می‌رسد که با وخامت اوضاع در منطقه، این توافق به همان اندازه مرده است که امید به استفاده لبنان از این منابع انرژی برای کمک به تقویت اقتصادش.

اگر رژیم صهیونیستی به اهداف نظامی خود در غزه و لبنان دست پیدا کند، می‌توان تصور کرد که مرزها را بازترسیم کرده و مدعی منابع انرژی خواهد شد که در حال حاضر به همسایگانش تعلق دارد. پس از آن، گاز بیشتری برای بهره برداری و صادرات خواهد داشت که مزایای مالی آشکاری به همراه خواهد داشت. اما میدین گازی لبنان و غزه از نظر وسعت حتی از میدان‌های کوچک‌تر این رژیم، کوچک‌تر هستند. بنابراین، مزیت اصلی به دست گرفتن کنترل آنها، احتمالاً استخراج ثروت از آنها نیست، بلکه جلوگیری از بهره برداری فلسطینی‌ها و لبنانی‌ها از آنها است تا تداوم ضعف و توسعه نیافتگی آنها را تضمین کند.

بر اساس گزارش اسپلینتر، دلایل متعددی برای تجاوز جنایتکارانه رژیم صهیونیستی به فلسطین و لبنان وجود دارد. اینکه آیا گاز یک نگرانی اصلی برای رهبران رژیم صهیونیستی است یا خیر، مشخص نیست، اما مطمئناً یک عامل است. زمانی که جنگ‌ها تمام شود، هر زمان که ممکن باشد، رژیم صهیونیستی ممکن است از زمانی که وارد جنگ شده بود، غنی‌تر از گاز ظاهر شود و در مقابل، دشمنانش فقیرتر شوند.